

پای صحبت احمد رضا عامریان، جوان معلول هنرمند

# اگر درخت بودم، از دست مردم فرار می کردم

مجید سربانی

برایش مهم نیست که روی صندلی چرخ دار نشسته و مثل خیلی از همسالانش نمی تواند جست و خیز کند و به قول معروف، از سال های جوانی آن بهره را ببرد که دیگران می برند. بر این باور است که ماهیتش تغییر نکرده - حتی با وجود ویلچر نشینی - معتقد است که همان احمد رضاست و حتی قوی تر از آنی است که دیگران انتظار دارند؛ چون هنرمند است و سر و کارش با هنری که یکی از سرچشمه های آن هنر، موجودی که از دیرباز در میان مردم ایران دارای جایگاه رفیع و مقدس است؛ تا آن جا که تمام شعر از گذشته تا امروز، با زبان های گوناگون در قالب شعر- نو و کهن - قامت معشوق را به قامت آن موجود مانند کرده اند.

سر و کار احمد رضا عامریان با هنری است که وابستگی عجیبی به درخت دارد؛ او هشت سال است که کار معرق می کند و با چوب مانوس و مالوف است. هر چند که ابزار کارش مکرر آره آره و موبی، چسب و... است، اما رفیق سابق و یار موافق او، دل آکنده از عشقی است که مسیر زندگی اش را به سمت طبیعت و هم آغوشی با مظهر راست قامتی و مقاومت کشانده است.

آشنایی اش با انجمن معلولان توانمند همت را نقطه عطفی در زندگی کاری و اجتماعی اش می داند و از رامبد رضاپور، رئیس هیأت مدیره انجمن به عنوان حامی یاد می کند: «من معلول ضایعه نخاعی ام، وقتی وارد انجمن شدم با خودم گفتم معلول ضایعه نخاعی چه صنمی با معلول جسمی- حرکتی دارد؟! این جا بود که رامبد رضا پور به من گفت: خودت باش! بدان که معلولی، اما به دیگران اثبات کن که معلولیت نقص نیست! شما کارهایی را می توانی انجام دهی که خیلی ها قادر به انجام آن کارها نیستند؛ به من گفت با هایت مشکل دارند، دست هایت که سالمند! زیانت که مشکل ندارد! خلاصه با این حرف ها ما را راه انداخت.»

گذراندن دوره آموزشی معرق در انجمن آغاز می کند: «به ما گفتند به چه کاری علاقه داری، گفتم از بچگی عاشق کار با چوب بودم. این بود که دوره آموزش معرق کاری را برای سه نفر از ما برگزار کردند، بعد از اتمام آن دوره، قرار شد ما به ۱۰ نفر دیگر آموزش بدهیم.»

در حین گپ و گفت مان با احمد رضا، یکی دیگر از آن سه نفر آموزش دیده کار معرق و یلچررش از کنار ما گذشت. وقتی احمد رضا او را معرفی کرد و گفت که به «آبجی سمانه» بین بچه ما معروف است، خواستم در جمع دو نفره ما حاضر شود و با او گفت و گو را ادامه دهم، اما کمی خجالتی بود و تمایلی به حضور در گپ ما نداشت: «خلاصه یک کارگاه راه انداختند و برای آن کارگاه فضای بزرگ تری گرفتند و کار را شروع کردیم.»

وقتی از مشکلات کار صحبت می کند، سرافراز از اینکه مشکلات را پشت سر گذاشته، ریتم حرف هایش را کمی تند می کند: «کار را که شروع کردیم، کم مشکل نداشتیم؛ بارها دستم را می بردیم، اما هر چیز که می خواستم یا بهتر بگویم،

هر چیزی که می خواستیم، رامبد برای ما مهیا می کرد. رامبد مثل بابا بود. بابا! بله! ما فلان چوب را می خواهیم... تهیه می کنیم، فلان تیغ را می خواهیم... تهیه می کنیم. آقای رضا پور شعاری می گوید: انجمن سکوی پرش شماست، شما باید به جایی برسید که مد نظر خودتان است.»

وقتی از افتخاراتش می گوید، از ضعف های کار غافل نمی شود: «کار را که در انجمن توسعه دادیم، کم کم از معرق به سمت کار مشبک رفویم، چون معرق هنر گرانی است و مشتری خاص خودش را دارد. بعد از چند سال به دلایلی کارگاه تعطیل شد و ما تصمیم گرفتیم بیشتر وارد اجتماع شویم. با این تصمیم، به سمت بازار قیصریه گرگان که مربوط به صنایع دستی بود رفویم، در آن بازار بود که با استادان مختلف هنر های دستی آشنا شدم و تازه فهمیدم که ضعف ما کجاست؛ ما ضعف تبلیغاتی داشتیم. املاي نانوشت غلط ندارد، ما تا قبل از این بیرون نیامده بودیم، خیلی چیزها را ندیده بودیم.»

تلاشش را به سمتی معطوف می کند که بالاخره با زرس ارشد انجمن هنرمندان و صنعتگران استان گلستان می شود: «بعد از اینکه اشتباهاتمان را فهمیدیم و راه های تبلیغاتی را یاد گرفتیم، همین طور جلو آمدیم تا اینکه بازار صنایع دستی گلستان در یافت قدیم آن راه افتاد. من هم کارم را توسعه دادم تا بعد از مدتی که عضو انجمن

هنرمندان و صنعتگران استان گلستان شدم، به عنوان بازرس ارشد، فعالیتیم در آن انجمن را ادامه دادم.»

بازار قیصریه گرگان و نمایشگاه اقوام که به مرکزیت گرگان درآمد، برای احمد رضای جوان فرصت مناسبی شد تا به قول خودش از آن فرصت، به عنوان سکوی پرتاب بهره بگیرد و هنرش مقبول مسئولان وقت بهزیستی افتد: «خستگی مفهومی نداشت؛ چون کارم را دوست دارم و برای توسعه آن خستگی را نمی فهمم. همین فکر بود که باعث شد تا جلو بروم و کارم مورد توجه مسئولان سازمان بهزیستی مخصوصاً آقای فرهاد ثانی، رئیس وقت بهزیستی استان گلستان قرار بگیرد.

با راه اندازی نمایشگاه اقوام که به مرکزیت استان گلستان برگزار می شود، من هم غرفه گرفتیم و کارهایم مورد توجه واقع شد. توانستم در هفت دوره از ۹ دوره این نمایشگاه شرکت کنم. نمایشگاه اقوام برای من سکوی پرش شد. بعد از آن بود که به عنوان مشاور جوان رئیس بهزیستی گلستان، فعالیت هایم را ادامه دادم.»

چوب شناسی را میراثی می داند که از دایی اش به او رسیده: «من از بچگی عاشق چوب شدم، چون دایی ام نجار بود و من کنارش می ایستادم و با چوب و کار نجاری آشنا می شدم. خدا رحمتش کند. در دوران راهنمایی هم معلمی به نام آقای نیکینا داشتیم که علاقه من

به چوب را تقویت کرد. همه چیز، مثلاً با تخته سه لای جا کلیدی می ساختم، خلاصه با چوب مانوس شدم و چوب را خوب شناختم.»

طرح هایی که انتخاب می کند را از طبیعت الهام می گیرد و بر این باور است که طبیعت الهام بخش همه چیز است: «همیشه گل و بوته و گردش در طبیعت به من کمک می کند تا طرح دلخواهم را پیدا کنم. هر چه می بینم، به سرعت از آن عکس می گیرم و بر اساس آن عکس کار می کنم.

به واسطه ارتباطی که با چوب دارم، با الهام از طبیعت می دانم که برای فلان طرح باید به سراغ کدام چوب بروم. خود من عاشق چوب عنب هستم، چوب عنب سفت است، اما بوی خوبی دارد در مقابل نارنج که ترد است و حتی بوی آن را می توانی از تردیش احساس کنی.» طرفداران معرق را افراد عاشق و دلداره این هنر می داند و می گوید، به دوره از ۹ دوره این نمایشگاه شرکت کنیم. نمایشگاه اقوام برای من سکوی پرش شد. بعد از آن بود که به عنوان مشاور جوان رئیس بهزیستی گلستان، فعالیت هایم را ادامه دادم.»

چوب شناسی را میراثی می داند که از دایی اش به او رسیده: «من از بچگی عاشق چوب شدم، چون دایی ام نجار بود و من کنارش می ایستادم و با چوب و کار نجاری آشنا می شدم. خدا رحمتش کند. در دوران راهنمایی هم معلمی به نام آقای نیکینا داشتیم که علاقه من

«آنچه الان بیشتر وقتم را پر کرده، کارهای مشبک است که طرح های کاربردی مثل قاب آینه، جاشمعی، قاب دستمال کاغذی، سطل زباله و امثال اینها را درست می کنم.» ماهیت خودش را با ماهیت چوب پیوند می زند و حسی که از چوب دریافت می کند را، به حس زندگی تعبیر می کند: «وقتی به چوب دست می زنی، کاملاً می بینی که هر چوب حس خاص خودش را دارد؛ چوب نرم حس خودش، چوب سفت همین طور. اما به نظر من حس اصلی خودم را همیشه پیوند خورده با چوب می دانم چرا؟ ساده است.

چوب دانه ای است که رشد کرده و به نهال تبدیل می شود و همچنان رشد می کند تا به تنه بزرگ و تاواری تبدیل می شود و بعد از مدتی از تنه آن الوار و چوب درست می کنند، اما همچنان ماهیت اصلی آن، همان درخت است. من احمد رضا هستم، سالم بودم، می دیدم، این خیلی عالی بود؛ اما الان روی ویلچر می نشینم، ماهیت تعبیر نکرده، من همان احمد رضا هستم.»

برایش شنیدن خبر قطع درختان، دردناک است: «وقتی درختی را قطع می کنند، بسیار ناراحت می شوم؛ شاید بگویند چرا ناراحت می شوی، کارتو که مرتبط با همان درخت قطع شده است؟ می گویم من از درختی استفاده می کنم که شاخه هایش خشک یا سفت شده و مخصوص این کار است؛ مثلاً عنب سفت است و تنه آن مخصوص این کار است. اما من حاضرم این کار را کنار بگذارم، ولی همین درخت و بقیه درختان را قطع نکنند. الان وقتی می شنوم درختان سرخدار را که قدمت دو سه هزار ساله دارند، برای درست کردن قلیان می برند، به هم می ریزم، وقتی جنگلی آتش می گیرد، دل من هم می سوزد.»

آرزوی می کند که چهره جهانی شود: «من الان در سطح کشور شناخته شده ام و در استان جزو ۳۰ جوان برتر معرفی شده ام، اما آرزو دارم که به چهره جهانی تبدیل شوم.

مدتی است به علت اینکه حین کار سرم پایین بود، مبتلا به دیسک گردن شده ام و خیلی نمی توانم کار کنم، اما از رسم غافل نشده ام. من دانشجوی حقوق هستم، حقوق می خوانم تا از حق دفاع کنم؛ از درختان دفاع کنم. همیشه به این فکر می کنم که اگر درخت بودم، با اینکه درخت نمی توانم فرار کند، تلاش می کردم از دست مردم فرار کنم.»

مجید سربانی



سمیه افشین فر

بیا بید از هنرمندان معلول حمایت کنیم



صحبت های احمد رضا آمریان جوان هنرمند معلولی که قصه چوب ها را روایت می کرد را با هم خواندیم. جوانان معلولی مانند احمد رضا در جامعه معلولان کم نیستند کسانی که بعد از معلولیت یا با وجود معلولیت از پا نشسته و دست به کار شدند، معلولیت را با توانمندی گره زدند، خلق کردند و زندگی شان را رنگی از امید و تازگی پاشیدند کاری که شاید بسیاری از جوانها با وجود سلامت جسمانی از انجام آن عاجزند.

هنر زیان مشترک بین انسانهاست زبانی که زخم ها را التیام می بخشد و این وقتی مهم تر می شود که جوانی معلول به سراغ هنر می رود احمد رضا و جوانان همسان او حق دارند که مانند همه جوانان سرزمینمان از امکانات مناسب برخوردار باشند یعنی وقتی جوانی مانند احمد رضا به تولید صنایع دستی و هنر معرق می پردازد باید از سوی نهادهای مختلف حمایت شود تا بتواند از پس تأمین هزینه هایش بر بیاید در حالی که این افراد گاه در تأمین حداقل نیازهایشان می مانند.

تأکید بسیاری از کارشناسان توانبخشی بر لزوم استفاده از هنر نیز امری انکارناپذیر است اما اگر حداقل نیازهای این افراد که همان کسب درآمد است از این راه محقق نشود این افراد به سمت کار آفرینی و استفاده از فن و هنر برای کسب درآمد سوق داده نمی شوند.

هر چند که اقداماتی از سوی سازمان بهزیستی کشور انجام شده است اما به نظر کافی نمی رسد و بجز این سازمان افراد هنرمندان رشته های مختلف هنری باید به این عرصه وارد شده و به حمایت هنرمندان معلول



بپردازند مثلاً چه اشکالی دارد اگر یکی از استادان به نام معرق کار کارهای احمد رضا را ببیند و در راه اندازی نمایشگاهی حمایتش کند یا آثارش را در کنار کارهای او به نمایش درآورد یا در معرض فروش قرار دهد.

احمد رضا و جوانانی همانند او نیاز به حمایت دارند چه از سوی سازمان های متولی و چه از سوی چهره های هنری که البته محمدی قیداری گفت: از ابتدای نهضت مسکن معلولان تا الان ۱۵۷۷ واحد مسکن واگذار شده است که از این واحد ۶۳۷ تعداد واحد در دست تکمیل است.

وی افزود: مسکن دو معلول و سه معلول با یک تفاهنامه منعقد شده بین سازمان مستضعفان انقلاب اسلامی، سازمان بهزیستی کشور، بنیاد مسکن و انجمن خیرین مسکن ساز که قرار است در مجموع ۳۰ میلیون تومان برای ساخت مسکن شهری همرا با یک وام ۱۵ میلیون تومان تسهیلات بانکی برای معلولان پرداخت شود.

کرده اند و هم از هنرمندان معلول وطنی حمایت نموده اند. خواندن صحبت های احمد رضا و جوانانی از این دست رنگ و بوی امید دارد بیا بید که قدر این جوانه های امید را بدانیم و در راه بالندگی آن قدم برداریم.

آرامش معلولان در سایه مسکن



مدیرکل بهزیستی استان زنجان با بیان اینکه اولویت مسکن در سال جاری با خانواده هایی است که دارای دو یا سه فرد معلول هستند، گفت: ۱۲ مورد مسکن در حال ساخت و آماده سازی برای خانواده های دو معلول و سه معلول در شهرها و ۷۰ مورد در روستاهاست.

محمدی قیداری گفت: از ابتدای نهضت مسکن معلولان تا الان ۱۵۷۷ واحد مسکن واگذار شده است که از این واحد ۶۳۷ تعداد واحد در دست تکمیل است.

وی افزود: مسکن دو معلول و سه معلول با یک تفاهنامه منعقد شده بین سازمان مستضعفان انقلاب اسلامی، سازمان بهزیستی کشور، بنیاد مسکن و انجمن خیرین مسکن ساز که قرار است در مجموع ۳۰ میلیون تومان برای ساخت مسکن شهری همرا با یک وام ۱۵ میلیون تومان تسهیلات بانکی برای معلولان پرداخت شود.

نصب بالابر در منازل معلولان و جانبازان منطقه ۵



معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۵ از نصب بالابر در منازل افراد معلول و جانبازان این منطقه خبر داد.

محمد باقر اسدی، معاون حمل و نقل و ترافیک منطقه با اعلام این خبر گفت: با شناسایی منازل معلولان و جانبازانی که قابلیت نصب دستگاه بالابر دارند، نصب بالابر در دستور کار مدیریت شهری منطقه قرار دارد.

معاون معلولان تا تاریخ هشتم سپتامبر می توانند از طریق نشانی سایت، رویاهای خود را ثبت کنند و شماره شماری از این رویاهای را انتخاب می کند و با انتشار آنها روی صفحه فیسبوک خود، آنها را حمایت می کند.

فوتبال پنج نفره یکی از محبوب ترین رشته های پارالمپیک است که از سوی نابینایان و کم بینایان انجام می شود و بازیکنان از طریق زنگی که داخل توپ وجود دارد به موقعیت آن پی می برند.

برزیل در ادوار گذشته در تمام مسابقات فوتبال پنج نفره برنده بوده ضمن اینکه خود نیماز در بازی های المپیک امسال با تیم ملی برزیل به میدان می رود.

نیماز

بازیکن تیم فوتبال نابینایان شد



ستاره برزیلی بارسلونا در راستای یک پروژه حمایتی از بازی های پارالمپیک ۲۰۱۶، یو، به انجام فوتبال پنج نفره به طور آزمایشی پرداخت.

این پروژه حمایتی با شعار «به رویای زندگی ببخش و دنیا را عوض کن» در نظر دارد مردم دارای معلولیت را از منطقه آرام آنها بیرون بکشد تا تغییرات مثبتی در زندگی و دنیای آنها ایجاد کند.

مردم معلول تا تاریخ هشتم سپتامبر می توانند از طریق نشانی سایت، رویاهای خود را ثبت کنند و شماره شماری از این رویاهای را انتخاب می کند و با انتشار آنها روی صفحه فیسبوک خود، آنها را حمایت می کند.

فوتبال پنج نفره یکی از محبوب ترین رشته های پارالمپیک است که از سوی نابینایان و کم بینایان انجام می شود و بازیکنان از طریق زنگی که داخل توپ وجود دارد به موقعیت آن پی می برند.

برزیل در ادوار گذشته در تمام مسابقات فوتبال پنج نفره برنده بوده ضمن اینکه خود نیماز در بازی های المپیک امسال با تیم ملی برزیل به میدان می رود.

۷ پایگاه اوقات فراغت برای دانش آموزان معلول خرم آبادی



رئیس آموزش و پرورش استثنایی لرستان گفت: به منظور غنی سازی اوقات فراغت دانش آموزان استثنایی با نیازهای ویژه هفت پایگاه اوقات فراغت تابستانی در استان راه اندازی شد.

امیرحسین برجی اظهار داشت: امسال هفت پایگاه تابستانی برای غنی سازی اوقات فراغت ۲۵۰ نفر از دانش آموزان با نیازهای ویژه آماده شده است که خدمات آموزشی، هنری، فرهنگی و ورزشی را توسط مربیان کارآموده به دانش آموزان ارائه می دهند. وی وجود پایگاه های غنی سازی اوقات فراغت تابستانی را فرصت و بستر مناسبی برای شکوفایی خلاقیت و استعداد های دانش آموزان با نیازهای ویژه دانست و گفت: این پایگاهها می توانند سطح دانش و بینش اعتقادی، علمی، اجتماعی و مهارت های هنری دانش آموزان استثنایی را ارتقا دهند.

معاون پرورشی و فرهنگی آموزش و پرورش لرستان نیز در افتتاح این پایگاه با اشاره به کلام امام خمینی (ع) خدمت به معلولان را خدمت به رسول اکرم (ص) دانست و گفت: دانش آموزان با نیازهای ویژه این استان با درخشش در مسابقات فرهنگی و هنری در سطح کشور توانمندی خود را اثبات کرده اند. محسن یوسفوند افزود: این دانش آموزان در بسیاری از موارد حتی از دانش آموزان عادی نیز پیشگام تر بوده اند و ضرورت دارد از همه این ظرفیت ها و پتانسیل ها در زمینه های مختلف استفاده شود.

یک هفته با اخبار معلولان